

## کاربست جهان بینی اسلامی در شهرهای ایرانی - اسلامی

### با تأکید بر توسعه پایدار محله‌ای

محمد کاظم شمس پویا<sup>۱</sup>، ابوالفضل مشکینی<sup>۲</sup>، مجتبی برغمندی<sup>۳</sup>

#### چکیده

ایجاد و گسترش "شهر اسلامی - ایرانی" و همچنین تغییر و تحول شهرهای موجود به سمت شهرهای مطلوب، یکی از لوازم بروز و ظهور تمدن ایرانی اسلامی است که هدف اصلی در آن هدایت انسان به سمت تعالی و کمال خواهد بود. با طلوعی اسلام جهان بینی جدیدی مبتنی بر برادری و برابری به منصه ظهور رسید. این طرز تفکر بر شکل شهرنشینی و جامعه شهری اثر گذاشته است. در واقع، شهرهای اسلامی از دستورات و قوانین اسلامی متخذ از کتاب، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع تأثیر پذیرفته و اصول و جهان بینی اسلامی تأثیر خود را بر ساخت و بافت شهرها و محلات آن به عنوان کوچکترین سلول‌های حیات شهری بر جای نهاده است. اما به تدریج و در دوران معاصر روند گسسته شدن محلات و پیدایش فضاهای جدید شهری با معیارهایی متفاوت از فرهنگ بومی شتاب گرفته است که برخلاف منطق توسعه پایدار محله‌ای است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با کاربری جهان بینی اسلامی و اصول و ارزش‌های آن در شهرنشینی و برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای و تلفیق آن با اندیشه ایرانی می‌توان در جهت تقویت و احیای محلات اسلامی و در نتیجه توسعه پایدار محله‌ای گام برداشت. ذکر این نکته درخور اهمیت است که محلات اسلامی فقط به کالبد خلاصه نمی‌شوند، بلکه دارای حیاتی معنوی در زمینه‌های گوناگون است که ضرورت دارد این موضوع در برنامه‌ریزی توسعه اجتماعات محلی مورد توجه قرار گیرد. همچنین قواعد دهگانه اجتهاد از دیدگاه تشیع و قاعده لاضرر و لاضرار به برنامه‌ریزان شهری اجازه می‌دهد تا از مسائل نوین جهانی با توجه به اصول و ارزش‌های اسلامی و معیارهای بومی استفاده نمایند.

واژگان کلیدی: جهان بینی اسلامی، شهر ایرانی - اسلامی، توسعه پایدار، محله

<sup>۱</sup> دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، اسلامشهر، ایران kpourya1@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا، تهران

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا، تهران

سرزمین ایران پیشینه‌ی چندهزار ساله دارد. این جامعه به اصول و ارزش‌هایی معتقد است که تبدیل به عنصری جدایی‌ناپذیر از فرهنگ ایران شده است و در زمینه‌های گوناگون از جمله معماری، شهرسازی، هنر و مانند آن تجلی پیدا کرده است.

شهرهای اسلامی در بین‌النهرین، ایران و شبه‌جزیره هند گویای عناصر بی‌شمار تمدن ایرانی بودند. شکوفایی این شهرها و همچنین تمدن اسلامی اسپانیا تا اواخر قرن شانزدهم تداوم داشت و از این زمان همزمان با اوجگیری و شکوفایی تمدن‌های مسیحی، اسلام رو به خاموشی رفت (فکوهی، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

هویت اسلامی تا اوایل قرن حاضر در بسیاری از شئون تمدن ایرانی تأثیر و ظهور و بروز داشت. از آن زمان به بعد، این هویت در بسیاری زمینه‌ها از جمله معماری، شهرسازی، موسیقی، لباس، نقاشی، آموزش، هنر، شیوه زیست و بسیاری سنن و آداب اجتماعی به ضعف گرایید و اکنون که سال‌ها از آغاز بحث توسعه می‌گذرد، استحاله محیط‌های شهری به سمت هم‌شکلی با شهرهای غربی و بی‌هویتی شدت بیشتری یافته است. به هر روی، یکی از موارد مهمی که در برنامه‌های توسعه شهری باید مورد توجه قرار گیرد حفظ و تقویت و ترویج هویت اسلامی و ایرانی جامعه است، البته نباید تنها ملاک و معیار توسعه شهرها را در توسعه مادی و اقتصادی (غالباً کمی) خلاصه نمود، بلکه توجه به سایر جنبه‌های حیات نیز ضرورت دارد. به بیان دیگر، در طراحی و برنامه‌ریزی توسعه شهر علاوه بر توجه به عامل اقتصاد، مد نظر داشتن عوامل دیگری همچون عوامل روحانی، معنوی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقلیمی ضرورت تام دارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۳۹ و ۳۴۰).

از جمله نمودهای فضایی "تمدن اسلامی"، "شهر اسلامی" است که ایجاد آن مستلزم در دست داشتن مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی است. به عبارت دیگر، ایجاد و گسترش "شهر اسلامی - ایرانی" و همچنین تغییر و تحول شهرهای موجود به سمت شهرهای مطلوب، یکی از لوازم بروز و ظهور تمدن ایران اسلامی است که هدف اصلی در آن هدایت انسان به سمت تعالی و کمال خواهد بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۸۴). اما به تدریج و با تغییر نظام اجتماعی، نظم سیاسی و نظم اقتصادی و به تبع آن‌ها، ساختار کالبدی شهر تغییر یافت. در سرزمین امپراطوری اسلامی سیاست

فصل نهم: خرافات و باورهای دینی شهری، حشم‌نواز زنگرس، شماره ۱۲، شماره ۴۳، سال ۱۳۹۹

شهرنشینی و شهرسازی خاصی تدوین گردید. اصولاً جهان بینی اسلامی برای تحقق آرمان‌های خود به شهر و شهرنشینی نیاز داشت و در نتیجه عمده‌ترین تغییرات در این جهان بینی در نظام شهری نمود می‌یابد (نظریان، ۱۳۸۳: ۲۱) که از جمله می‌توان از تأثیرات جهان بینی اسلامی بر بافت محلات سخن گفت.

در گذشته محله تحت شرایط اقتصادی - اجتماعی زمان خود کارکردی مناسب به عنوان سکونتگاه در قالب سلول‌های شهری ارائه می‌داد (نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵) و واحد اصلی روابط اجتماعی بود (اشرف، ۱۳۵۳: ۴۸) لیکن تغییراتی که در طول زمان در عناصر متشکله آن به وجود آمد، ناشی از تغییرات در مناسبات اقتصادی - اجتماعی به طور اعم و تغییرات شرایط محلی به طور اخص بوده است. اما از آنجا که تا اواسط دوره قاجار تغییرات مهمی در کشور رخ نداد، محله و به طور کلی فضاهای شهری طی سالیان متمادی تحت تأثیر فرهنگ بومی به حیات خود ادامه دادند و جوابگوی نیازهای زمان خود بودند. ولی از اواخر دوره قاجار و با فروپاشی تدریجی نظام عشیرتی و گذر از اقتصاد سنتی به نظام فعلی، تغییرات در بافت شهرهای ایران نیز شروع شد.

در دوران معاصر نیز با هجوم فرهنگ و تکنولوژی غرب به کشور و پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی و قرار گرفتن اتومبیل به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره مردم و بالاخره مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها، محله دیگر نمی‌توانست پیوندهای درونی و در نتیجه کارکرد خود را همچون گذشته حفظ کند. گسسته شدن محلات و پیدایش فضاهای جدید شهری با معیارهای بیگانه با فرهنگ بومی در واقع تبلور فضایی تغییرات مزبور در اوضاع اجتماعی - اقتصادی کشور است (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۶).

بنابراین در حال حاضر محلات مسکونی جدید، آن یگانگی و انسجامی را که در محلات سنتی حکمفرما بود، در خود ندارد. بیم آن می‌رود که با الگو قرار گرفتن گونه‌های ویژه‌ای از مسکن و محلات مسکونی که صرفاً به عنوان یک سرپناه مطرح می‌شود، نگرش جمعیت و روابط همسایگی ساکنان نیز دستخوش تحول شود. کما آنکه در شهرهای پرجمعیت پیشقراولان آن از راه رسیده‌اند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

فصلنامه علمی پژوهشی توسعه پایدار شهری، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۴۳، شماره ۱۲، شماره ۴۳، شماره ۱۳۹۹

فشرده سخن آنکه، به منظور ترویج ضوابط فرهنگی و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، باید برنامه‌ریزی و طراحی مجموعه‌های جدید را بر مبنای سنت‌ها، خلق و در بازگشت به گذشته پرثمر، خط‌مشی آینده را پر بارتر تعیین نمود (شیعه، ۱۳۸۶: ۱۱۵) و از جهان‌بینی اسلامی و اصول آن برای توسعه پایدار محله‌ای بهره‌گرفت. در واقع در شهر اسلامی و محلات آن اصول و ارزش‌های والای اسلام که منجر به تعالی انسان می‌شود رواج دارد. از این‌رو، در این مقاله تلاش شده است تا به کار بست جهان‌بینی اسلامی در شهرهای ایرانی - اسلامی پرداخته شود و در این مسیر ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد شهر اسلامی و عناصر اصلی تشکیل دهنده محله در شهرهای ایرانی - اسلامی، برخی از ویژگی‌های محله مطلوب در احادیث و آیات نیز معرفی شود.

### روش پژوهش

روش پژوهش در این نوشتار، روش «توصیفی - تحلیلی» است و نحوه گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای و اسنادی است. از این‌رو، پس از جمع‌آوری و مطالعه منابع مرتبط با شهر اسلامی، به بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد شهر اسلامی، توسعه پایدار در مقیاس محله، سیر تحول محله در شهر ایرانی - اسلامی پرداخته و به مهم‌ترین راهبردهای عملی اسلام در شهرسازی و معماری اشاره شده و در مجموع تلاش شده است تا کار بست جهان‌بینی اسلامی در شهرهای ایرانی - اسلامی و محلات آن و تأثیر قواعد، رهنمودها و احکام فقهی بر ایجاد و شکل‌گیری عناصر شهری و معماری بازگو شود.

### دیدگاه‌های مختلف در مورد شهر اسلامی

درباره ماهیت و مفهوم شهر اسلامی بر اساس دیدگاه‌های مختلف، نظرات متفاوتی ارائه شده است که در سه دسته قابل تقسیم‌بندی است. همانگونه که از جدول (۱) پیداست در دیدگاه نخست یعنی شهر اسلامی به عنوان شهر دینی از شهر اسلامی مفهوم امت اسلامی استنباط می‌شود و شهر اسلامی محدود به مکان و زمان خاصی نیست و اساس اسلام متشکل از افراد و مسلمانان است نه شهرها و مکانهای فیزیکی و نحوه سکنی‌گزیدن افراد در شهر است که شهر اسلامی را جان می‌بخشد و نه

ساختمان‌ها و ابنیه. اما در دیدگاه دوم شهر اسلامی بر اساس دستورات اسلامی ساخته می‌شود و دارای هویت خاص فرهنگی، تاریخی و... است و رهنمودهای اسلام در ساخت شهر تأثیر خود را بر جای می‌گذارد. در دیدگاه سوم، شهر اسلامی حاصل دستاوردها و فرهنگ و تمدن اسلامی است و خصوصیت شهرسازی که در سازماندهی و ترکیب عناصر آن مشهود است.

جدول ۱- نظریه‌ها درباره مفهوم، ماهیت و چستی شهر در شهر اسلامی

دیدگاه	خصوصیات و ویژگی‌ها
نخست	<p>شهر اسلامی</p> <p>به عنوان شهر دینی</p> <p>• شهر اسلامی محدود به زمان و مکان خاصی نیست</p> <p>• از شهر اسلامی مفهوم امت اسلامی استنباط می‌شود</p> <p>• شهر اسلامی شهر مردم دیندار و معتقد است و در هر شهر و خانه‌ای می‌توان مسلمان بود و به آیین مسلمانی زندگی کرد.</p> <p>• دین و دینداری با معماری و شهرسازی ملازم ندارد، قواعدی وجود ندارد که با آن بتوان شهر دینی ساخت و شهر با بنا و ساختمان‌هایش دینی و غیر دینی نمی‌شود بلکه با نحوه سکنی‌گزیدن افراد در آن دینی یا غیر دینی می‌شود.</p> <p>• شهری که صرفاً مسجد و عبادتگاه داشته باشد دینی نیست بلکه باید مردم آن هم دیندار باشند و اتصال با عالم بالا وجود داشته باشد و به عبارت دیگر در هوا و فضای عالم دینی است که طرح شهر دینی بر انداخته می‌شود.</p> <p>• اساس اسلام متشکل از افراد و مسلمانان است نه شهرها و مکانهای فیزیکی</p>
دوم	<p>شهر اسلامی شهری بر اساس قوانین و دستورات اسلام</p> <p>• شهر اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی و درک قوانین و اصول اسلامی است ویژگی اساسی آن از دو عامل قرآن و سنت نشئت گرفته است و بیش از همه از دستورات و قوانین اسلامی متخذ از کتاب، سنت، فقه و اجتهاد و اجماع تأثیر پذیرفته و این دستورات و قوانین در تصمیم‌گیری درباره ساخت شهرها تأثیر مستقیمی داشته است.</p> <p>• شهر اسلامی دارای هویت خاص فرهنگی، تاریخی و فضایی است و ارتباط ساختاری بین دین و فضای مصنوعی را نشان می‌دهد.</p> <p>• رهنمودها و اصول بنیادی در رابطه با فرآیند ساخت و چارچوب آن از جوهر و روح اسلام نشئت گرفته است.</p> <p>• رهنمودهای منسجم حقوقی و چارچوب‌های اجتماعی فرهنگی کمابیش یکسان علاوه بر شباهت‌های اقلیمی و فنون ساختمانی در بخش‌های عمده‌ای از جهان اسلام به همگونی‌های قابل ملاحظه در رهیافت‌های شهرسازی منجر گشت (رواج الگوهای شهری لاله زنبوری).</p> <p>• فقه اسلامی نظام ارزشی شریعت را در چارچوب فرآیند ساخت و ساز و توسعه شهری تفسیر نموده و به کار می‌بندد و در این میان علم فقه کالبدی و دو زیر مجموعه فقه مسکن و فقه شهری یکی از حوزه‌های اصلی مورد نظر در استنباط قانونمندی‌های عمومی تحول توسعه شهری است. فقه کالبدی ابوابی مانند قواعد فقهی (قاعده لاضرر و لاضرار)، احکام زمین، کاربری‌های متنوع مسکونی، اداری، تجاری... و در مجموع احکام درباره سیستم‌های رفتاری، فضایی و شهروندی را در بر می‌گیرد مانند حکم به عدم مقبولیت بلندمرتبه‌سازی بنا بر نصوص دال بر مصلحت فرد و مجتمع (احکام مصلحت).</p> <p>• در این دیدگاه شهر اسلامی شهر ساخته شده بر مبنای عمل به اصول و احکام دین و شریعت است که سرانجام آرمانشهر و شهر منتظران در این دیدگاه مطرح می‌گردد.</p>
سوم	<p>شهر اسلامی حاصل و دستاورد فرهنگ و تمدن اسلامی</p> <p>• شهرسازی اسلامی ناشی از تمدن و دستاورد تولید فرهنگی مسلمانان است.</p> <p>• در این دیدگاه نه در قرآن و نه در حدیث، برنامه‌ریزی و اصول برنامه‌ریزی شهری دقیق که قادر باشد نیازهای طراحی و برنامه‌ریزی شهری شهرهای مسلمین را تأمین کند، وجود ندارد.</p> <p>• هویت اسلامی بیش از آنکه در عناصر جدید و الگوهای فضایی بدیع خاص تمدن اسلامی مشهود باشد، در نحوه استفاده و ترکیب عناصر به عاریه گرفته شده از تمدن‌های دیگر مستتر است و خصوصیت اصلی معماری و شهرسازی نه در ایجاد عناصر و الگوهای جدید که در نحوه‌ی به‌کارگیری، سازماندهی و ترکیب آن‌ها نهفته است.</p>

(مأخذ: باقری، ۱۳۸۶: ۸۴-۷۶)

## توسعه پایدار

فرهنگ لغات آکسفورد، پایداری را توان بقا و ماندگاری تعریف می‌کند (کامکار و مهدوی دامغانی، ۱۳۸۷: ۲۲). فعل «پایدار نگاه داشتن» از سال ۱۲۹۰ میلادی یا پیش‌تر در زبان انگلیسی به کار برده شده و از واژگان لاتین sub+tenere به معنای «حمایت کردن» یا «نگاه داشتن» ریشه گرفته است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد رد پای استفاده از صفت پایداری را به سال‌های ۱۴۰۰ و در شکل کامل‌تر آن به سال ۱۶۱۱ میلادی برمی‌گرداند (Wheeler, 2004: 19).

عبارت «توسعه پایدار» در اوایل سال‌های ۱۹۷۰ در زمان اعلامیه کوکویک<sup>۱</sup> درباره محیط و توسعه به کار رفت. این اصطلاح به منظور تحلیل و بررسی رابطه بین تغییر اقتصادی و منابع طبیعی اساسی که بر آن پایه قرار گرفته، به‌ویژه در نشریه‌های مؤسسه بین‌المللی محیط‌زیست و توسعه<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گرفته است (رادکلیفت، ۱۳۷۳: ۳۴). می‌توان گفت این مفهوم در ادبیات جهانی برای نخستین بار در ۱۹۸۷ م و با انتشار گزارش کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل، به نام آینده مشترک ما مطرح شد (تقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۳). گزارش برانتلند<sup>۳</sup> هدف توسعه پایدار را این‌گونه تعریف می‌کند:

هدف توسعه پایدار، برطرف کردن نیازهای نسل‌های حاضر است؛ به طوری که فرصت زندگی و برطرف کردن نیازهای نسل‌های آینده از آنان گرفته نشود (WCED, 1987).

از دهه ۱۹۹۰ م، مفهوم توسعه انسانی با هدف افزایش ظرفیت و نگاهی ورای دیدگاه ساده و تثبیت-شده توسعه اقتصادی، بسط داده شد (احمدی ترشیزی، ۱۳۸۷: ۲۹۶). در ۱۹۹۲ م و در اجلاس زمین<sup>۴</sup> که در شهر ریودوژانیرو برگزار شد ماحصل کنفرانس، دستور کار ۲۱<sup>۵</sup> همراه با قطعنامه‌ای شامل ۲۷ اصل برای توسعه پایدار بود (جمعه پور، ۱۳۹۲: ۴۶). بر اساس اصل اول بیانیه ریو، انسانها در محور توجه توسعه پایدار قرار دارند و سزاوار زندگی سالم و مولد در هماهنگی با طبیعت هستند (تقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۳).

<sup>۱</sup> Cocoyoc Declaration.

<sup>۲</sup> The International Institute for Environment and Development

The Brundtland Report.

<sup>۳</sup> The Earth Summit.

<sup>۴</sup> Agenda 21



آنچه که اهمیت توسعه پایدار را دوچندان می‌سازد این است که توسعه پایدار آینده‌نگر است و به همین دلیل در پی این اطمینان است که نسل‌های آینده دست‌کم به سطح رفاه نسل‌های فعلی برسند (باربیر، ۱۳۸۵: ۲۳۳). این گونه «توسعه اجتماع<sup>۶</sup>» بر اساس مردم و محیط زندگی آنها تحقق می‌پذیرد و نه بر اساس تولید و سود (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۴۴-۱۴۳).

توسعه پایدار با انتقاد به اینکه شکل‌های سنتی توسعه محلی و منطقه‌ای بیش از حد اقتصادمحور بوده‌اند مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی را نیز همپای توسعه اقتصادی سرلوحه کار قرار داده است. در چارچوب توسعه پایدار، توسعه محلی و منطقه‌ای باید همزمان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی صورت گیرد و توسعه در این سه عرصه، پایدار باشد (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۴۹) در واقع، توسعه پایدار بررسی ارتباط میان توسعه اقتصادی، کیفیت محیط‌زیستی و عدالت اجتماعی است (Rogers et al, 2008 : 42) که مصرف منابع تجدیدناپذیر<sup>۷</sup> از حد توان بازتولید آن فراتر نرفته و تولید آلاینده‌ها و ضایعات در حد ظرفیت جذب محیط صورت می‌گیرد (Costanza and Daly, 2001:17). همچنین، از پایداری اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، کالبدی و سیاسی به عنوان ارکان توسعه پایدار نام برده شده است (Allen, 2001:155-156).

خلاصه آنکه، با ناکارآمدی مقیاس کلان در برنامه‌ریزی‌ها و افزایش مشکلات ناشی از شتاب روند شهرنشینی توجه به مقیاس خرد در برنامه‌ریزی‌ها و توسعه پایدار محلی توجه بیشتری را به خود جلب کرده است، از این رو محلات شهری به عنوان کوچک‌ترین سطح سازماندهی فضایی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار محلی نقش چشمگیری ایفا می‌کنند. در واقع، در توسعه پایدار محلی «عناصر انسانی، طبیعی و اقتصادی به یکدیگر وابسته هستند و یکدیگر را تقویت می‌کنند (oseland,2005). در تعالیم قرآنی نیز موارد بسیاری درباره رویارویی با فقر و ریشه‌کنی آن، حمایت از طبقات آسیب‌پذیر و عدالت اجتماعی، حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن وجود دارد که به خوبی اهمیت توسعه پایدار در کتاب آسمانی را بازتاب می‌دهد.

قرآن در چندین آیه به موضوع عدالت در توزیع و مصرف منابع و حمایت از طبقات آسیب‌پذیر توجه کرده است. الگوی کلان بهره‌برداری و مصرف در نظام سرمایه‌داری به گونه‌ای است که سرمایه‌ها،

<sup>۶</sup> . Community Development

<sup>۷</sup> . Non Renewable Resources

به ویژه سرمایه‌هایی که مشترکند را در دستان اقلیت سرمایه‌دار و طبقه‌ی حاکم به چرخش درمی‌آورد. قرآن در چندین آیه این الگو را به روشنی مردود دانسته است: «تا (اموال) میان ثروتمندان شما به گردش درنیاید» (حشر: ۷) «و اموال یکدیگر را ناروا تصرف نکنید و به باطل به حکام ندهید، در حالی که می‌دانید این کار گناه است» (بقره: ۱۸۸). به هر حال، اگرچه عدالت موضوعی گسترده و حتی فراتر از روابط انسان‌ها با یکدیگر است؛ رعایت عدالت بین نسلی و حمایت از نسل کنونی از روشن‌ترین مصادیق آن است (سیدامامی، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۵). همچنین، خداوند به «میانه‌روی» در بهره‌برداری و مصرف منطقی نعمت‌های الهی فرمان داده است. «اسراف» یعنی مصرف بیش از اندازه و زیاده‌خواهی و تکاثرتلبی (حدید: ۲۰) را تخلفی بزرگ خوانده و مراتب نارضایتی خویش را به انسان اعلان کرده است (اسراء: ۲۷-۲۶). اسلام، تمرکز ثروت را از عوامل ایجادکننده‌ی فقر دانسته و به آن می‌تازد: «کَيِّ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷) نباید ثروت‌ها منحصرأ در دست ثروتمندان بچرخد (بیات، ۱۳۵۸: ۸۷-۸۴ و ۸۳ و ۸۱).

از دیگر موارد تأکید بر مشارکت فعال مردم در امور مربوط به جامعه و اجتماع است. هر چند که اکثریت مردم حق مطلب را چنانکه هست به جا نمی‌آورند و به تعبیر قرآن «حق تقاته» ندارند؛ (آل عمران: ۱۰۲) ولی باید به گونه‌ای عمل کنند که بتوان گفت شخص تا جایی که توان و استطاعت داشته، در عمل وارد شد و سعی خود را کرد. همچنین، نظام سیاسی اسلام، مردم را به مشارکت فعال در عرصه عمل اجتماعی در قالب‌های گوناگون از جمله مشورت در امور اجتماعی مهم دعوت کرده و آن را وظیفه خود و جامعه می‌داند (عبداللهی، ۱۳۹۶).

در مورد حفظ محیط‌زیست نیز در قرآن کریم موارد و مصادیق بسیاری آورده شده است که در زمینه مورد بحث اهمیت دارد. پیام قرآن کریم درباره ناسپاسان و فاقدان فرهنگ صیانت محیط‌زیست، این است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۴۱) آنچه از دستور سپهری و فرمان آسمانی برمی‌آید، این است که تابلوی زیبای آفرینش، امانت الهی به دست بشر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۳). این نظام دربرگیرنده‌ی مباحث مربوط به محیط‌زیست همچون نحوه‌ی استفاده از منابع، چگونگی ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر، نحوه‌ی نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آن‌ها بوده و نه فقط برای انسان، بلکه



برای تمام موجودات دیگر مانند حیوانات و گیاهان و حتی جمادات نیز حقی قائل است (حدادی، ۱۳۸۷: ۲۶).

در اینجا به منظور پرهیز از طولانی شدن نوشتار به همین حد اکتفا می‌شود، و در ادامه سیر تحول محله و عناصر اصلی تشکیل دهنده محله در شهرهای ایرانی - اسلامی و برخی از ویژگیهای محله مطلوب در احادیث و آیات بازگو می‌شود.

### سیر تحول محله و عناصر اصلی تشکیل دهنده محله در شهرهای ایرانی - اسلامی

یکی از ویژگی‌های عمده‌ی شهر اسلامی محلات مشخص آن است که معمولاً برای سکونت کسانی که دین و مذهب مشترک داشتند، یا تیره‌های نژادی و گروه‌های زبانی مشترک و یا صاحبان حرف و پیشه مشابه اختصاص می‌یافت (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۲: ۱۱۳). همچنین، وجود محلات در تضاد و در تقابل، از خصیصه‌های بارز شهر دوره‌ی اسلامی صرف‌نظر از مکان آن‌ها هستند (حییبی، ۱۳۸۳: ۴۹).

محلات شهر دوره اسلامی هر یک مسجد، بازارچه، مدرسه، آب انبار، قنات و حمام خاص خود را داشتند و حتی در مواقعی برای خود، علاوه بر دروازه‌ای خاص که به بیرون شهر باز می‌شد، دروازه‌ای نیز برای ورود به محله داشتند (همان: ۴۹). و از سویی به عنوان واحد عملکردی، امکان عرضه خدمات در محدوده‌های کوچک‌تر شهر را فراهم می‌کرد و از سوی دیگر به عنوان واحدی اجتماعی امکان هم‌پیوندی و بروز ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، نژادی، قومی و مذهبی را در محدوده‌های تعریف‌شده خود فراهم می‌آورد (جهان‌بخش و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶-۳۷).

از ویژگی‌های بارز این محلات درونگرایی آن‌ها بود که افزون بر دلایل جغرافیایی، اقلیمی، دفاعی و اجتماعی اهمیت خانواده در اسلام و تأکید بر حفظ حرمت آن نیز یکی از عوامل مهمی بود که در درونگرایی محله‌های مسکونی نقش داشت (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۶) به همین ترتیب شبکه دسترسی به خانه‌ها نیز بسیار پیچیده بود و فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی شهری را از همدیگر به خوبی تفکیک می‌کرد، که البته باید اذعان داشت شبکه پیچیده معابر شهری، بازارها، کوچه‌های بن بست و گونه‌شناسی حیاط مرکزی، هیچکدام منحصر به تمدن اسلامی نبوده‌اند ولی در هر حال شیوه

مجله علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۱۲، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۹

به کارگیری این عناصر در شهرهای اسلامی بیشتر در نحوه به کارگیری و ترکیب عناصر فوق نهفته است. شیوه‌ی شهرسازی فوق نیز متأثر از (۱) شیوه‌ی زندگی (۲) ساختار اجتماعی و (۳) کاربری‌هایی است که تنها پس از اسلام به وجود آمده‌اند (افشار نادری، ۱۳۷۵: ۵۱-۵۰).

توزیع جمعیت، اقوام، اصناف، فعالیت‌ها و خدمات شهری در شهرهای سنتی ایران نیز همواره بر تقسیمات محله‌ای قرار داشته و ارکان ساختار فضایی شهرها نیز بر همین ساختار استوار بوده است (فریادی، ۱۳۸۷: ۶۷۹).

در شهرهای سنتی ایران، نواحی مسکونی به محلات مختلف و مجزا تقسیم می‌شوند. مثال‌هایی از جدایی‌گزینی محلات بر اساس تفاوت در عقاید مذهبی را می‌توان در محله یهودی‌ها (جهودها) در اصفهان و محله زرتشتیان (گبرها) در کرمان و یزد مشاهده کرد. در محلات خشک ایران، آب‌انبار یکی از بناهای عمده عمومی مورد نیاز است و حداقل یکی از آن‌ها همیشه در هر مرکز محله یافت می‌شود (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۹ و ۱۰۶).

بررسی تاریخی مفهوم محله در شهرهای ایران نشان می‌دهد که از دوران اسلامی، محله به عنوان سلول شهر سنتی دارای محدوده‌های مشخص و معین بوده و از نظر اجتماعی نیز بر حسب قوم، نژاد و مذهب تفکیک فضایی بین آن‌ها وجود داشته است. این تفکیک باعث شد تا مفهوم خویشاوندی و خودکفایی در مرزبندی محله‌ای شهری نقش مهمی ایفا کند و به لحاظ اجتماعی، افراد به محیط زندگی خود احساس تعلق کنند و روابط اجتماعی ارگانیک حاکم شود. وجود سلسله‌مراتب در دسترسی‌ها و ارائه مراکز خدمات روزانه در قالب مراکز محله در ساختار شهرهای ایران تا پایان دوره قاجار وجود داشت. اما پس از دوره قاجار با توجه به شکل‌گیری صورت‌بندی‌های جدید اجتماعی - اقتصادی در کشور، نظام شهری و به تبع آن محله دچار دگرگونی اساسی شد (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۰). محله‌های جدید لبه‌های خویش را برای جای‌دهی عناصر خدماتی برمی‌گزینند. خیابان در مفهوم جدید خویش چنین امکانی را برای محله فراهم می‌آورد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۳۵؛ همچنین: رک. جدول ۲). بنابراین، به تدریج و در طی زمان دگرگونی‌های شکلی و محتوایی در شهرها و محلات شهری جلوه می‌کند که از اصول و ارزش‌های اسلامی به دور است و به نوبه خود توسعه پایدار محله‌ای را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است. از این‌رو، شناخت ویژگی‌های محله مطلوب از منظر

فصلنامه خنیا و برنامهریزی شهری چشم انداز نگرش، دوره ۸، شماره ۴، بهار ۱۳۹۹

اسلام و احادیث و آیات و راهبردهای عملی اسلام در شهرسازی و معماری مسائل بسیاری را روشن می‌سازد که در عناوین بعدی نوشتار بدان پرداخته می‌شود.

جدول ۲: مروری بر روند پیدایش و تحول محله در ایران از دوران باستان تا کنون

دوران باستان	در زمان هخامنشیان و اشکانیان، قصرسلطنتی در مرکز شهر، سپس محله‌های درباری و پس از آن، محله‌های مسکونی و کوچه‌های شهر قرار داشت. در دوره ساسانیان نیز بخش مرکزی شهر شامل کهنه‌دژ و بخش نظامی بوده و در اطراف آن محله‌ها یا قسمت اصلی شهر (شارستان) قرار داشتند و به وسیله حصار از کهنه‌دژ جدا می‌گردیدند.
پس از ورود اسلام به ایران	علیرغم نفی هرگونه قشربندی اجتماعی بر مبنای قوم، نژاد، سنت و... در بدو تشکیل دولت اسلامی، گو اینکه دیگر از تشکیل محلات بر حسب نظام کاستی یا شهروندی خاص، خبری نیست ولی در مقابل با ایجاد محلاتی بر حسب مذهب، زبان، فرقه و... مواجه هستیم در برخی منابع از وجود دیوار در گرداگرد محله‌ها در این دوره یاد شده است.
دوره صفویه	احداث تجهیزات و خدمات عمومی مانند مساجد و حمام‌ها که قبلاً در مرکز شهرها استقرار می‌یافتند، به داخل محله‌ها کشیده شد. در این دوره گروه‌بندی‌های فرقه‌ای موجب تقسیم محله‌های برخی شهرها به دو بخش عمده نعمتی و حیدری شد.
دوره قاجاریه	عوامل اصلی به وجود آورنده و جداکننده محله‌ها از یکدیگر عوامل اجتماعی (اعتبار خانوادگی، دسته‌های عزاداری و...) بودند. محله به‌عنوان مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی نقش بازی می‌کند. علیرغم حفظ سازمان فضایی محله‌های کهن، محله‌های جدید خود را در کنار خیابان‌های تازه احداث شده شکل می‌بخشند. در این دوره گسترش محله‌ها از طریق رشد محله‌های قدیمی صورت گرفته و محله‌های جدید تابعی از محله‌های قبلی بود.
دوره پهلوی اول	با تغییر شکل روابط اجتماعی و کاسته شدن از اهمیت عواملی مانند حریمت و خویشاوندی و پیدایش شهرنشینی به سبک غربی، بافت محله‌ها نیز تغییر شکل دادند. محلات جدید در مجاورت خیابان‌های اصلی شکل گرفته و خیابان‌های فرعی بافت آن‌ها را به‌صورت شطرنجی از هم جدا کردند. از دیگر تحولات محله در این دوره از بین رفتن تقسیمات خرد محله بود شهر کم‌کم از فرم ارگانیک خود با کوچه‌های پر پیچ و خم و غیر هندسی خارج گردید و خیابان‌های منظم و شطرنجی جایگزین آن شد با تصویب قوانین، زمینه برای دخالت حکومت بر حیات شهری و تغییرات کالبدی و اجتماعی آن، از جمله سازمان محله‌ندی شهر فراهم شد.
دوره پهلوی دوم	تغییر بردارهای اقتصادی کشور و تغییر در ساخت اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی شهرها موجب تحرک اقتصادی در شهرها و مهاجرت برخی خانواده‌ها از محله‌های قدیمی و سکونت در مناطق نوساز شهر شد؛ از این‌رو محلات قدیمی و سنتی اعتبار و منزلت قبلی خود را از دست داده و محل سکونت افراد مهاجر یا طبقات کم درآمد شهر شدند. در این دوره، احداث مجتمع‌های مسکونی مرتفع رایج شد و در واقع محله‌ها به جای گسترده شدن در سطح، در ارتفاع گسترش یافتند. همچنین در حاشیه شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران برخی محله‌های غیر رسمی و غیر قانونی نیز شکل گرفتند.
دوره جمهوری اسلامی	الف - ساخت محله‌های شهری در قالب شهرک‌های مختلف نوپدید ب - اجرای عملیات آپارتمان‌سازی بر روی عرصه‌های ساختمان‌های قدیمی و فرسوده در بافت محله‌های شهری توسط بخش خصوصی ج - تحول محله‌ها از طریق تغییر کاربری اراضی برای ارائه خدمات، به‌ویژه خدمات فروش عمومی.

(مأخذ: رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۷)

مجله علمی پژوهشی «معماری و شهرسازی» شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۹

## برخی از ویژگی‌های محله مطلوب در احادیث و آیات

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های محله مطلوب عبارت است از: توصیه به زندگی اجتماعی در شهرهای بزرگ به دلیل برخورداری بیشتر از دین و دانش؛ توصیه به برآوردن حاجات و نیازمندی‌های اجتماعی، ایجاد فضاهای مورد نیاز عمومی و توصیه به وقف؛ توصیه اکید به خوش رفتاری و همنشینی با همسایگان و برادران دینی؛ توصیه به تنظیم شعائر اسلامی و ساختمان مسجد و شرکت در جماعت مسلمین؛ پرهیز از مزاحمت سواره بر پیاده و قوی بر ضعیف؛ پرهیز از هر نوع مزاحمت متقابل فضاهای عمومی و خصوصی، حتی مزاحمت مناره مسجد برای خانه‌ها؛ توصیه به رعایت تقوا بین زنان و مردان در فضاهای عمومی (نقره کار، ۱۳۸۷: ۵۳۳ و ۵۳۲).

از بررسی معماری محله‌ها در شهرهای سنتی، مهم‌ترین تأثیراتی که از بایدها و نبایدهای حکمت عملی اسلام در آنها می‌توان دریافت که عبارتند از: ارتباط بین کالبد ظاهری معماری با جنبه‌های روحانی حیات انسانی در شهر اسلامی (توکلی نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲) و متعاقباً محلات اسلامی؛ توجه به پاکیزگی و اجتناب از آلودگی نیز از موارد مهمی است که تعالیم اسلامی به آن اشاره دارد (سوره بقره: آیه ۱۲۵). توجه به اصل پاکی، انسان را به حفظ طبیعت به عنوان بستر مناسب حیات خویش تشویق نموده و از ایجاد تباهی و اسراف و فساد در آن باز می‌دارد، از این رو پاکی و پاکیزگی و لزوم توجه به بهداشت محیط از جمله عوامل مهمی است که امروزه در محلات شهر اسلامی می‌باید نمود پیدا کند.

ایجاد شهرهای بزرگ و آباد، با وجود مشکلات امنیتی و اقلیمی؛ ایجاد بافت‌های بسیار فشرده با بهره‌گیری از عناصر گوناگون و متنوع شهری با کمترین مزاحمت همجواری؛ ایجاد حریم‌ها و مفصل بندی‌های مناسب و پیش‌بینی فضاهای باز داخلی از طریق رعایت ارتفاع موزون بدنه‌های داخلی؛ ابعاد نمادین و معنی‌دار بودن و هدف‌دار بودن ترکیب فضایی محله‌ها و شهر؛ برقراری عدالت اجتماعی و برخورداری همه شهروندان از مجموع خدمات عمومی؛ پیش‌بینی نیازهای خدماتی روزمره خانواده‌ها در مراکز محله؛ وجود فضاهای باز در بیشتر مجموعه‌های شهری و درونگرایی آنها؛ حرکت از کثرت به وحدت و از سیر در آفاق به سیر در انفس در طراحی بافت‌ها و هندسه آنها از دیگر موارد است (نقره کار، ۱۳۸۷: ۵۳۵ و ۵۳۴). در واقع، عالم وجود کلیتی واحد است که جملگی اجزاء و عناصرش

به یکدیگر مرتبط بوده و بر یکدیگر تأثیر داشته و از یکدیگر اثر می‌پذیرند. اصولاً انتزاع اجزای جهان از یکدیگر امری ناممکن می‌نماید (ملک: ۴-۳ و انبیاء: ۲۲). چنین وحدتی در ساختار و بافت محلات اسلامی-ایرانی نیز می‌باید تجلی پیدا کند. در پایان می‌توان به در استطاعت بودن مسکن و معرفی آن به عنوان محل امن و سکنی و آرامش انسان و لزوم تأمین شرایط مناسب آن در شب (توکل‌ی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶) اشاره کرد.

### مهم‌ترین راهبردهای عملی اسلام در شهرسازی و معماری

مهم‌ترین راهبردهای عملی اسلام در شهرسازی و معماری عبارتند از:

- ۱- الهام از مصادیق شایسته ۲- ابر اصل عدالت در کار ۳- اصل مفید بودن و پرهیز از بیهودگی ۴- اصل همه جانبه نگری ۵- اصل اجتهاد پذیری راهبردهای عملی ۶- اصل سهولت در کار ۷- اصل تأمین مجموع نیازهای کمی و کیفی ۸- اصل تأمین مجموع نیازهای عمومی ۹- اصل رعایت حقوق و آزادی افراد ۱۰- اصل تقدم حقوق جامعه بر حقوق فرد ۱۱- اصل رعایت مشورت در کار ۱۲- پیش‌گیری از زیان در کار ۱۳- اصالت فایده در کار ۱۴- اصل عقلانی بودن کار ۱۵- اصل آگاهانه و ارادی بودن کار ۱۶- اصل جدیت و نظم در کار ۱۷- اصل تخصصی نمودن کار ۱۸- عدم اسراف و تبذیر در کار ۱۹- توصیه به آبادانی بیشتر ۲۰- تولید و عرضه بر اساس مصلحت نه تقاضا ۲۱- اصل اخلاص و ... (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۴۸۵ و ۴۸۴) ۲۲- توجه به شأن، ارزش و مقام انسان در عالم وجود و متعاقباً در معماری اسلامی (نقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۸).

از آنجایی که تشریح همه موارد بالا در این نوشتار نمی‌گنجد به دو مورد از مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود:

- ۱- الهام از مصادیق شایسته: شامل ارائه مصداق‌ها و نمونه‌های شایسته و بارزی است که هنرمندان و شهرسازان می‌توانند از آنها مستقیماً کسب تجربه نموده و آنها را در کار خویش به‌کار گیرند. این مصادیق عبارتند از: (۱) معماری آفرینش یا کتاب تکوین: که شامل رنگ‌ها، نقوش، شکل‌ها، حجم‌ها و ... در نظام آفرینش است. (۲) کارهایی که به دست یا با تأیید معصومین (س) انجام شده است از قبیل ساختار فضایی بیت‌الله الحرام و مسجدالنبی (۳) کارهای ایجاد شده در کشورهای اسلامی، به‌ویژه

فصلنامه خنیا و برنامهریزی شهری، چشم انداز زاگرس، دوره ۸ شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۹

کارهای اصیل دوران اسلامی ایران و یا به طور کلی تجربیات و فرایندهای ارزشمند کلیه فرهنگ‌های گذشته و حال جهانی را می‌توان مورد توجه و الهام و کسب تجربه قرار داد، مسلماً با نقد و ارزیابی آن آثار با مبانی و معیارهای حسن شناسی اسلامی (۴) بهره‌برداری و استفاده مستقیم از تجربیات گذشته خود هنرمند و معمار.

- اصل اجتهادپذیری راهبردهای عملی: اصول و احکام اسلام به نحوی تنظیم شده است که اجتهادپذیر است و شهرسازان و معماران می‌توانند اصول ثابت و کلی در موارد جزئی و متغیر، با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی محقق سازند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۴۸۲-۴۸۱). اجتهاد و فقاہت، پس از غیاب رسالت و امامت، سومین حلقه از مراحل هدایت بشر به سمت اهداف متعالی شریعت است (احسانی فر، ۱۳۹۵: ۲۳۲).

مهم‌ترین رکن حکمت عملی، مفهوم اجتهاد است. اجتهاد در معماری (و شهرسازی) بطور کلی به مفهوم استنتاج بایدها و نبایدهای عملی و اجرایی که وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی بوده و جزئی و متکثر هستند از معرفت‌های نظری که کلی و حقیقی بوده و غیر وابسته به شرایط زمانی و مکانی گفته می‌شود. این همان چیزی است که در مکاتب مختلف تحت عنوان شیوه‌های طراحی معماری و مقوله خلاقیت، مورد بحث قرار می‌گیرد و اگر حکمت عملی اسلامی و تمدن مبتنی بر آن، امروزه در غربت مانده است، به‌خاطر قدرت اجتهادی ضعیف در همه تخصص‌ها برای استنتاج مناسب طراحی حکمت عملی در عصر حاضر است. در میان متفکرین اسلامی، امروزه سه تعریف اصلی از اجتهاد وجود دارد (جدول ۳؛ همچنین: رک. نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۱۵۴ و ۱۵۵)



جدول ۳: بررسی تطبیقی انواع مکاتب اجتهادی

نظریه‌های مختلف	روش اجتهاد	ایجاز اجتهاد	علت شروع اجتهاد و بایان پیامبری	نظریه پرداز	نوع طراحی متناظر مکتب نمونه
اجتهاد ساختارشکن	شکستن ساختارهای تاریخی (نظری و عملی) و ترجمه عصاره فرهنگ به زبان روز	عقل مجرد انتزاعی	بایان دوران کودکی بشر و ظهور عقل برهانی	عبدالکریم سروش انجیل لاهوری	طراحی شالوده‌شکن <sup>۱</sup>
اجتهاد قیاسی	بازسازی قیاسی تمثیلی و تأویلی از نمونه‌های قیاسی	عقل: بر مبنای (قیاس) تأویل، استحسان، استصلاح)	بایان دوران کودکی بشر و ظهور عقل برهانی	نظریه اهل سنت (ابوحنیفه)	طراحی بازسازی تاریخی <sup>۲</sup>
اجتهاد تقریبی	قش دو طرفه حقایق و اعتبارات در شکل دهی به هم	عقل استنتاجی (بر اساس قوانین دهگانه اجتهاد در تشیع)	بلوغ بشر در حفظ اصول و استنتاج فروع	نظریه شیعه امام خمینی (ره) شهید مطهری (ره)	طراحی جدید با حفظ اصول <sup>۳</sup>

(مأخذ: نقره کار، ۱۳۸۷: ۱۵۷)

اجتهاد یا روش تعیین راه حل بر اساس اصول اولیه برای درک هویت اسلامی حائز اهمیت است. این روش با خاتمیت نبوت جایگاه بنیادی تری یافته است. همانگونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود در مکتب تشیع، اجتهاد به جای تکیه بر اصولی همچون قیاس، استحسان، استصلاح و تأویل بر ده اصل مهم و بنیادین تکیه زده است (نقره کار، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

جدول شماره ۴- قواعد دهگانه اجتهاد از دیدگاه تشیع

قاعده ملازمه عقل و شرع	ایجاز اجتهاد عقل است و احکام عقلی همان احکام شرعی است
قاعده بقای اصول	اصول نظری و عملی بیان شده توسط سنت نبوی بر خسته از فطرت و بی زمان هستند
قاعده تقریب	فروع و جزئیات در برتو اصول ثابت با تقریب عقلی قابل استنتاج هستند
قاعده نسبیّت	فروع بر اساس مقتضیات زمان و مکان کامل‌النسبی هستند
قاعده جامعیت و وسطیت	فروع باید همه جوانب و ساحات مختلف انسانی را دربر بگیرد
قاعده اولویت	فروع باید با توجه کامل به اولویتها و مصلحتها شکل بگیرد
قاعده هماهنگی با قوانین حاکمه	فروع نباید مغایر با قوانین حاکمه و اصولی که حق و نوبت دارند باشد
قاعده حوزه های آزاد	فروع نباید حوزه هایی را که خداوند انسان را آزاد گذاشته محدود کنند
قاعده احکام خصمه تکلیفیه	فروع باید برای اجرا بر اساس احکام خصمه تعیین اولویت و ضرورت شود
قاعده احکام تقوییه و حکومتی	فروع و حتی اصول می‌توانند ذیل نظر و اختیار والی به طور موقت تغییر شکل دهند

(مأخذ: نقره کار، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

فصل نهم: خیزش‌ها و ریشه‌های شهری، چشم انداز نگرش، دوره ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۹

## تأثیر قواعد، رهنمودها و احکام فقهی بر ایجاد و شکل‌گیری عناصر شهری و معماری

این نکته مسلم است که در همه اعصار، در پیدایش و شکل‌یابی عناصر شهری و معماری در شهرها عوامل بسیاری دخیل هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به عوامل اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... اشاره کرد. در دوره اسلامی نیز، بسیاری از بناها با تأثیرپذیری از این امور و همچنین احکام و ارزش‌های اسلامی شکل گرفتند (حسینی رحمت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۶). در واقع تعدادی از عناصر معماری در شهرهای اسلامی، مختص دین اسلام بودند و به منظور اجرای پاره‌ای از عبادات و احکام به وجود آمدند مانند مساجد و مصلی‌ها، و تعدادی نیز متعلق به پیش از اسلام بوده و مطابق با احکام اسلامی تغییراتی یافته و به حیات خود ادامه دادند مانند حمام‌ها و منازل مسکونی.

شایان ذکر است که قواعد و رهنمودهای فقهی بر شکل‌گیری عناصر شهری و معماری و روابط محله‌ای مؤثر بوده است. برای نمونه می‌شود از قاعده لاضرر و لاضرار نام برد. رسول خدا فرمودند: "لاضرر و لاضرار، من ضار ضاره الله و من شاق شق الله علیه: ضرر و زیان به خود و دیگران ممنوع است، کسی که به دیگری ضرر وارد آورد خداوند به او زیان رساند و کسی که دیگری را به مشقت اندازد، خداوند او را به مشقت افکند" (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۳۲۳۷).

فقه‌ها از احادیثی با این مضمون، قاعده فقهی لاضرر و لاضرار را استخراج کرده‌اند. این قاعده مبنای بسیاری از احکام در رابطه با مسائل حقوقی بین واحدهای همسایگی قرار می‌گیرد (حسینی رحمت‌آبادی، ۱۳۹۰). از نگاه علامه جعفری مفهوم کلمه "لا" در قاعده لاضرر و لاضرار چنین است که حقوق اشخاص تا آنجا که حالت تزاخم و اضرار پیدا نکرده است، مشروع است، چون روشن است که کلمه "لا" نمی‌گوید ضرر و اضرار در خارج وجود ندارد زیرا این یک امر محسوس است که افراد انسانی می‌توانند به خود ضرر برسانند. پس آنچه که مقصود از قاعده مزبور است، نفی آن حکم است که حقی را اثبات کند و آن حق به موجب گسترش خود، موجب اضرار به دیگری بوده باشد، همچنین شخص متضرر نیز یکی دیگر از افراد جامعه بوده و مشمول همان مقررات و قوانین است که به صاحب حق مزبور شامل است و در هیچ یک از حقوق طرفین بر دیگری ترجیحی وجود ندارد. نتیجه چنین می‌شود که قانونگذار اسلام با نظر به ارتباط زندگی انسان‌ها با هم که منشأ تزاخم حقوق خواهد گشت، به وضع قانون پرداخته است (جعفری، ۱۳۴۹: ۱۴۸).

در جایی دیگر آن حضرت چنین می فرماید: " لا ضرر و لا ضرار للرجل أن يضع خشبه فی حائط جاره و اذا ختلفتم فی الطریق فاجعلوها اذرعاً: زیان زدن به خود و دیگران ممنوع است. انسان مجاز است چوب خود را بر دیوار همسایه اش بگذارد و حریم راه هموار هفت ذرع است " (محمدری شهری، ۱۳۷۹: ۲۲۳۷). این رهنمود پیامبر (ص) باعث کاهش دادن هزینه بناها از طریق دیوار مشترک شده و همچنین باعث چسبیده شدن خانه‌ها به یکدیگر و ایجاد روابط مستحکم بین همسایگان گردید ( عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۶۱).

در مجموع، رهنمودها و احکام اسلامی به دو صورت بر پیدایش و معماری عناصر تأثیرگذار بوده‌اند: مستقیم و غیر مستقیم. رهنمودها و احکام مستقیم با معماری و فضاهای آن مرتبط می‌شوند و نکاتی پیرامون آنها مطرح می‌کنند و بیشتر در مورد مساجد و منازل مشاهده می‌شوند و رهنمودها و احکام غیر مستقیم، آن دسته از احکام، دستورات یا اخلاقیات دینی هستند که به ساختمان یا اجرای معماری مربوط نمی‌شوند، اما عمل کردن یا رعایت آن‌ها به مکان و فضای معماری احتیاج دارد، مانند قوانین پیرامون طهارت که لزوم ایجاد حمام‌ها و شکل آن را موجب می‌شود، یا عدم اشراف به منازل مسکونی و رعایت حریم و حجاب که بر معماری مسکونی و دیگر عناصر معماری شهرها تأثیرگذار است. همچنین، واجب بودن برپایی نماز در سه یا پنج نوبت که سبب پراکندگی مساجد در جای جای عناصر شهری مانند بازارها، مدارس، محلات می‌گردد. به نظر می‌رسد تأثیر این دسته از قوانین در فرم یابی عناصر شهری و همچنین سازماندهی کل شهرها بیش از قوانین مستقیم است. در واقع می‌توان گفت اگرچه دستورالعمل‌هایی پیرامون برخی بناهای خاص مانند مساجد وجود دارد، اما اسلام تأثیر خود بر عناصر شهری را از طریق نحوه و ساختار زندگی که برای پیرامون خود معرفی کرد بر جای می‌نهد که در نهایت در نحوه شکل‌گیری شهرها و عناصر آن تأثیرگذار بود نه اینکه دستورالعمل‌های خاص و صریح پیرامون شهر و اجزای آن ارائه کند و نوع خاصی از آن را برگزیند. در کل، عمل به ارزش‌ها و احکام واجب یا حرام، در اغلب موارد توجه قرار گرفته، اما اعمال مستحب یا مکروه عمومیت نداشته و در برخی موارد مانند کراهت بلندی مناره مسجد یا منقوش کردن آن‌ها و ... رعایت نشده‌اند (حسینی رحمت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۷).

فصل نهم: خرافات و باورهای دینی شهری - چشم انداز نوگرایی، شماره ۱۲، شماره ۴۳، سال ۱۳۹۹

## نتیجه گیری

همانطور که در این نوشتار تشریح شد، ایجاد و گسترش "شهر اسلامی - ایرانی" و همچنین تغییر و تحول شهرهای موجود به سمت شهرهای مطلوب، یکی از لوازم بروز و ظهور تمدن ایرانی اسلامی است که هدف اصلی در آن هدایت انسان به سمت تعالی و کمال خواهد بود. در این راستا باید ضمن توجه به پیشینه تاریخی غنی و بهره‌گیری از آن در برنامه‌ریزی توسعه محلات ایرانی - اسلامی، به عنوان یک کشور مسلمان نباید از این پیشرفت‌ها عقب بمانیم زیرا قرآن کریم می‌فرماید: "وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا". این آیه که به "نهی سبیل" مشهور است نفی هر گونه سلطه بر مسلمانان از طرف کفار را نفی می‌فرماید، از طرفی اسلام از بدو تولد، نسبت به امضاء محصولات مفید و مثبت دیگر سرزمین‌ها، ابایی نداشته است. در نتیجه می‌توان از پیشرفت‌های دیگر کشورها استفاده نموده و آن را با توجه به اصول و ارزش‌های اسلامی مورد بازنگری قرار داد. در مورد برنامه‌ریزی شهری نیز باید گفت که بهره‌گیری از دستورالعمل‌ها و رهنمودهای اسلامی و قواعد فقهی به تنظیم بهتر مناسبات میان انسان و محیط زندگی او یاری می‌رساند که ضرورت دارد در بازتعریف نقش محلات در دوران کنونی از آن بهره جست.

ذکر این نکته درخور اهمیت است که محلات اسلامی فقط به کالبد خلاصه نمی‌شوند، بلکه دارای حیاتی معنوی در زمینه‌های گوناگون است که ضرورت دارد این موضوع در برنامه‌ریزی توسعه اجتماعات محلی مورد توجه قرار گیرد. همچنین، افزون بر موارد بالا پیشنهاد می‌شود از راهبردهای عملی اسلام و اندیشه ایرانی در پی‌ریزی شهرها و معماری آن‌ها بهره گرفته شود. در این میان مددگرفتن از قواعد دهگانه اجتهاد از دیدگاه تشیع و قاعده لاضرر و لاضرار دست برنامه‌ریزان شهری را برای به‌کارگیری و استفاده از مسائل نوین جهانی با توجه به اصولی که در این نوشتار اشاره گردید باز گذاشته شده است که ضرورت دارد مورد اهتمام برنامه‌ریزان و مسئولان قرار گیرد. در پایان با بهره‌گیری از منابع مورد استفاده در نوشتار، کار بست جهان‌بینی اسلامی در شهر ایرانی - اسلامی به تفکیک ابعاد توسعه پایدار محله‌ای در قالب جدول شماره ۵ آورده شده است.

مجله علمی پژوهشی «معماری و شهرسازی» شماره ۱۳۹۹

جدول شماره ۵- کار بست جهان بینی اسلامی در شهر ایرانی - اسلامی به تفکیک ابعاد توسعه پایدار محله‌ای

بعد	مورد و مصداق
اجتماعی - فرهنگی	تعاون، امنیت، پیوندهای محله‌ای (خوش رفتاری و هم نشینی با همسایگان)، قاعده فقهی لاضرر و لاضرار و رعایت حقوق همسایگی، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت اجتماعی (عدالت در توزیع و مصرف منابع و حمایت از طبقات آسیب پذیر)، توصیه به رعایت تقوا بین زنان و مردان در فضاهای عمومی، معرفی مسکن به عنوان محل امن و سکنی و آرامش انسان و لزوم تأمین شرایط مناسب آن در شب، «میانه روی» در بهره برداری و مصرف منطقی نعمت‌های الهی و سبک زندگی اسلامی، رویارویی با فقر و ریشه کنی آن، اصل اجتهاد پذیری راهبردهای عملی اسلام، تأکید بر مشارکت فعال مردم در امور مربوط به جامعه و اجتماع، وظایف رهبران جامعه در مشارکت طلبیدن مردم و مشاوره با آنان، تأکید بر مردم سالاری و حکمروایی خوب
اقتصادی	مبارزه با اسراف، تأکید بر صرفه جویی و قناعت، گردش ثروت در میان جامعه و نه فقط ثروتمندان، در استطاعت بودن مسکن، تأکید بر مالیات و خمس و زکات
محیط زیستی	توجه به پاکیزگی و اجتناب از آلودگی محیط زیست (بهداشت محیط)، جلوگیری از تخریب محیط زیست و احترام به محیط زیست
کالبدی	عدم اسراف به منازل مسکونی و رعایت حریم و حجاب، رعایت حریمت و درونگرایی، زیبایی و سادگی، سلسله مراتب فضایی و تقسیمات محله‌ای، وحدت در ساختار و بافت محلات اسلامی - ایرانی، طبیعت گرایی معماری اسلامی

(مأخذ: نگارندگان با اقتباس از منابع موجود در متن)

فصلنامه علمی پژوهشی خیزش‌ها و پدیده‌های شهری، بهار ۱۳۹۹، شماره ۴۳، شماره ۱۲، شماره ۴۳، شماره ۴۳



## منابع

- قرآن مجید. ۱۳۸۴. ترجمه: آیت... مکارم شیرازی، قم: انتشارات اسوه
- احسانی‌فر، احمد. ۱۳۹۵. روش‌شناسی اجتهاد از منظر آیت‌الله شهید بهشتی. فصلنامه تخصصی دین و قانون، شماره ۱۴، ص ۲۷۰-۲۳۱
- اشرف، احمد. ۱۳۵۳. ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی. نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، ص ۴۹-۷.
- افشار نادری، کامران. ۱۳۷۵. مشترکات شهرسازی جهان اسلام. فصلنامه آبادی، شماره ۲۲، ص ۵۵-۴۶
- باربیر، ادوارد. ۱۳۸۵. اقتصاد و بوم‌شناسی مرزهای نو و توسعه پایدار، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- باقری، اشرف السادات. ۱۳۸۶. نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- بیات، غلامرضا. ۱۳۵۸. اسلام در مبارزه بنیادی با فقر، تهران: انتشارات بدر.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۶. مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی.
- ترشیزی، میترا. ۱۳۸۷. توسعه پایدار و شهر. دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریها.
- تقی‌زاده، فاطمه. ۱۳۸۷. توسعه پایدار. دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریها.
- توکلی‌نیا، جمیله، حسن محمدیان مصمم، سعید ضرغامی، و قهرمان رستمی. ۱۳۹۵. تقابل شهر ایرانی - اسلامی با چالش‌های شهری هزاره سوم، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۷۰-۵۷
- توکلی‌نیا، جمیله، مظفر صراف، و فرشته دستواره. ۱۳۹۶. تحلیل تطبیقی رهیافت‌های مرتبط با شهر ایرانی - اسلامی، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۸، ص ۲۰-۵
- جعفری، محمد تقی. ۱۳۴۹. منابع فقه، تهران: انتشارات مشعل آزاد.
- جمعه‌پور، محمود. ۱۳۹۲. برنامه‌ریزی محیطی و پایداری شهری و منطقه‌ای: اصول، روشها و شاخص‌های محیطی پایداری سرزمین، تهران: انتشارات سمت.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸. اسلام و محیط زیست، قم: مرکز نشر اسراء
- جهان‌بخش، حیدر، مرتضی لطفی‌پور سیاهکلرودی، و نجمه زکی‌پور. ۱۳۹۶. بررسی دگردیسی ماهیت قلمرو کنش‌گری، همگانی از شهر ایرانی - اسلامی تا شهر معاصر ایرانی، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۰، ص ۴۱-۳۱
- حبیبی، محسن. ۱۳۸۳. از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی رحمت‌آبادی، هاجر. ۱۳۹۰. کاربرد فقه و قوانین اسلامی در فرم‌یابی عناصر معماری و سازمان فضایی شهرهای دوران اسلامی؛ نمونه موردی بافت قدیم شهر یزد (محله فهادان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- حدادی، محسن. ۱۳۸۷. مبانی اخلاق زیست محیطی در ادیان، اطلاعات حکمت و معرفت، دوره ۳، شماره ۳، ص ۲۸-۲۵.



- خیرآبادی، مسعود. ۱۳۷۶. شهرهای ایران. مترجمان: حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌اله مافی، تهران: نشر نیکا.
- رادکلیفت، مایکل. ۱۳۷۳. توسعه پایدار، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- رهنمایی، محمدتقی؛ رحمت‌اله فرهودی، محمد باقر قالیباف، و حلیمه خاتون هادی‌پور. ۱۳۸۶. سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران، جغرافیا، سال ۵، شماره ۱۳-۱۲، ص ۴۳-۱۹.
- سعیدی رضوانی، عباس. ۱۳۷۲. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی (مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۲. تأثیر اسلام در ساخت شهر، معماری و شهرسازی، شماره ۲۵ و ۲۶.
- سید امامی، کاووس. ۱۳۸۹. اخلاق و محیط زیست (رهیافتی اسلامی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- شیعیه، اسماعیل. ۱۳۸۶. با شهر و منطقه در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- صرافی، مظفر. ۱۳۷۷. مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- عبدالستار عثمان، محمد. ۱۳۷۶. مدینه اسلام، ترجمه علی چراغ. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عبداللهی، مجید، مظفر صرافی، و جمیله توکلی‌نیا. ۱۳۸۹. بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، ص ۸۳-۱۰۲.
- عبداللهی، محسن. ۱۳۹۶. مشارکت مردم در سرنوشت خود از منظر قرآن، روزنامه کیهان، ۱۶ اردیبهشت. کد خبر: ۱۰۳۱۴۴
- فرجی‌راد، خدر و غلامرضا کاظمیان. ۱۳۹۱. توسعه محلی و منطقه‌ای از منظر رویکرد نهادی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فریادی، شهرزاد. ۱۳۸۷. محله (شهری)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی. تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- فکوهی، ناصر. ۱۳۸۹. انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- کامکار، بهنام و مهدوی دامغانی، عبدالمجید. ۱۳۸۷. مبانی کشاورزی پایدار، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۷۹. میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی. جلد ۶ و ۷. قم: انتشارات دارالحدیث.
- نظریان، اصغر. ۱۳۸۳. جغرافیای شهری ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، تهران: مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری دانشگاه علم و صنعت.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۸. منابع و روش‌های شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۴۰، ص ۹۹-۱۱۶.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی: عینیات و تجلیات، اصفهان: انتشارات مانی.

Barbier, Edward. 2006. Economics and Ecology of New Borders and Sustainable Development, Mashhad: Ferdowsi University Press.

Costanza, Robert. & Herman Daly. 2001. Natural Capital and Sustainable Development, In: A Survey of Sustainable Development: Social and Economic Dimensions. Edited by: Harris, Jonathan M. et al. Island Press, The Global Development and Environment Institute Tufts University.

Redclift, Michael. 1994. Sustainable Development, Tehran: Center for Agricultural Economics and Planning Studies.

- Rogers, Peter; Kazi Jalal., John Boyd .2008. An introduction to sustainable development, Glen Educational Foundation.UK: Earthscan.
- Roseland, Mark. 2005. Toward Sustainable Communities. Canada:New Society Publishing.
- Wheeler, Stephen M. 2004. Planning for Sustainability Creating livable, equitable, and ecological communities, UK: Taylor & Francis e-Library Routledge.
- WCED (World Commission on Environment and Development). 1987. Our Common Future, Report of the Commission on Environment and Development, London and New York: Oxford University Press.

